

موانع ارائه خدمات زیربنایی و ترویجی در صنعت چای، با تأکید بر توزیع مساحتی باغات چای

سیدمحسن سنجری*

رئیس اداره ترویج و مشارکت‌های مردمی، سازمان چای کشور، لاهیجان، ایران

* m.sanjari@gmail.com

بیان مسئله

توجه نشان داد اما رفته‌رفته مشکلات دیگری در آن رخ نمایاند که مانع انجام اقدامات زیربنایی شد. در این مقاله ضمن مرور سریع برخی از فعالیت‌های تحقیقاتی در طول حیات صنعت چای به بررسی مقایسه‌ای توزیع مساحتی باغات چای طی چند سال اخیر (۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹) و درآمد مالکان آن‌ها پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد قسمت شدن و کوچکی اراضی از موانع جدی برای اجرای فعالیت‌های زیربنایی مانند استقرار سامانه‌های آبیاری و مکانیزاسیون است.

چای‌کاری و چای‌سازی با وجود سابقه‌ای بیش از یک‌صد ساله در گذر زمانی چنین طولانی‌نه‌تنها در رسیدن به هدف خوداتکایی در تولید این محصول ناکام ماند بلکه داشته‌های خود در بخش زیرساختی نظیر وسعتی به میزان ۵۰۰۰ هکتار اراضی آبی و کارخانه‌های دولتی مجهز به ماشین‌آلات تولید چای غیر ارتدوکس را از کف داد. از مجموعه گزارش‌های دولتی و پیشنهادهای سیاستی درمی‌یابیم که تمام آن‌ها در دو ویژگی مشترک هستند. اول، بحث پیرامون نقش دولت و دوم، تعیین سازوکار فروش چای داخلی.

گرچه صنعت چای ایران از همان ابتدا به امور ترویج و تحقیقات خصوصاً با در نظر گرفتن بیگانگی این محصول

نقش ترویج کشاورزی در توسعه

توجه به بخش کشاورزی حتی در حد تأمین غذا و مواد اولیه برای سایر بخش‌های اقتصاد، مورد تأیید متخصصان توسعه است و حتی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با توجه به اهمیت کشاورزی شاهد رخداد انقلاب سبز بودیم که نظام‌های دولتی ترویج در کنار اهداکنندگان کمک‌های مالی بین‌المللی نقش زیادی در پیشبرد آن داشتند. اما مطالعات بعدی نشان داد علی‌رغم برخی توفیقات در بخش فنی، نابرابری و فقر در مناطق روستایی گسترده‌تر شده است. لذا عامل جدیدی به نام شرایط زمینه‌ای به مطالعات قبلی افزوده شد.

تأثیر سوگیری در فعالیت‌های ترویجی

رابرت چمبرز (۱۹۹۰) در زمینه سوگیری مواجهه مروجان با ذینفعان چند سوگیری برشمرده است که مانع رسیدن به اهداف کلان ترویج می‌گردند که عبارتند از سوگیری حرفه‌ای،

سوگیری شخصی، سوگیری دسترسی و تماس، سوگیری فصل خشک، سوگیری آماری و سوگیری پروژه‌ای.

بخش ترویج در صنعت چای ایران

صنعت چای ایران از همان بدو استقرار به امور ترویج و تحقیقات این محصول توجه نشان داد. بارها از کارشناسان بین‌المللی دعوت و برنامه‌های توسعه‌ای گوناگونی در زمینه اصلاح نهال، مصرف انواع کود و آبیاری اجرا شد. اما رفته‌رفته مشکلات دیگری در آن رخ نمایاند که مانع انجام اقدامات زیربنایی شد و حتی به عرصه‌های موجود آسیب وارد کرد. این مشکلات در مجموع سبب حاکمیت دولت بر کل زنجیره تولید این محصول شد. امری که امروز با وجود تغییرات ظاهری قابل‌مشاهده است. باین‌حال ساختار بخش چای به لحاظ مالکیت دچار تغییرات فاحشی شده که دیگر نمی‌توان مانند گذشته در پی پیشبرد اقدامات زیربنایی بود و حمایت‌های دولت که امروزه صرفاً در قالب خرید به قیمت

حداقلی خلاصه‌شده نمی‌تواند گره‌گشای مشکلات این بخش باشد. جداول زیر گویای این واقعیت هستند.

جدول ۱- درصد کاهش اراضی و تعداد خانوارهای چای‌کار کشور در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۱

سال	استان	درصد کاهش سطح بهره‌برداری	درصد کاهش تعداد خانوار
۱۳۹۵	گیلان	۴۰	۵۱,۳
۱۳۹۵	مازندران	۸۷	۹۲,۵
۱۳۹۵	کل	۴۱	۵۶

منبع: وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۱) و مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)

جدول ۲- تقسیم‌بندی اراضی بر اساس مساحت باغ‌های چای در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۹۵

سال	مکان	کمتر از یک هکتار (هکتار)	۱-۵ هکتار (هکتار)	بیشتر از ۵ هکتار (هکتار)
۱۳۸۱	کل کشور	۲۲۴۲۱	۷۳۷۱	۱۶۶۶
۱۳۹۵	کل کشور	۱۲۱۳۳	۵۳۸۵	۱۱۰۲

منبع: وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۱) و مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)

موضوع کوچکی اراضی چای و تقسیم شدن آن‌ها به سطوح پایین‌تر مانعی جدی برای ارائه و دریافت خدمات ترویجی است که تأثیر زیادی بر آینده مدیریت و ارائه خدمات فنی و ترویجی خواهد داشت. لذا باید راهکارهای جدیدی برای ارتباط با بهره‌برداران و اخذ بازخورد از دریافت‌کنندگان خدمات اتخاذ نمود.

در حال حاضر، ۹۲ درصد مالکان دارای باغات چای کمتر از یک هکتار و ۵ درصد بین ۱ تا ۱/۵ هکتار و ۳ درصد بیشتر از ۱/۵ هکتار هستند. وسعت ۳۰ درصد باغات نیز کمتر از ۲۰۰۰ مترمربع است. بنابراین افزایش هزینه نهاده‌ها و حتی خدمات به غیراقتصادی شدن باغداری چای منجر خواهد شد.